

سرشناسه: حسینی، محمد مهدی، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور: زهد/تألیف سید محمد مهدی حسینی همدانی؛ ویراستاری فرید نجف‌نیا، علیرضا سلامیان.
مشخصات نشر: تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۴۹ص.

فروست: سلوک اخلاقی؛ دفتر دوم.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۲-۳۳۸-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: چاپ قبلی: صوری، ۱۳.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۴۸ - ۱۴۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: زهد

موضوع: زهد -- احادیث

موضوع: اخلاق اسلامی

شناسه افزوده: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه

رده بندی کنگره: ۵/۵/۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۶۳۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۳۳۰۱



شرکت چاپ و انتشارات اسوه

زهد

تألیف: سید محمد مهدی حسینی همدانی

ویراستاری: فرید نجف‌نیا، علیرضا سلامیان

طرح جلد: حسین براتی

ناشر: انتشارات اسوه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قرآن کریم (۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱)

سال نشر: پاییز ۱۳۹۳

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۲-۳۳۸-۲

فروشگاه و نمایشگاه دائمی تهران: خیابان انقلاب، ابتدای پل کالج، روبروی خیابان خارک، پلاک ۷۸۷

تلفن: ۶۶۴۱۸۰۹۹ و ۶۶۴۱۷۴۷ فاکس: ۶۶۴۱۸۰۲۲

فروشگاه شماره (۲) قم: خیابان ارم، مقابل پاساژ قدس تلفن: ۳۷۷۴۱۷۸۲ فاکس: ۳۷۷۳۶۶۰

فروشگاه شماره (۳) قم: بلوار معلم - مجتمع ناشران - پلاک ۳۰ تلفن: ۳۷۸۴۱۷۲۱ - ۳۳

www.Osvehpub.com www.Osveh.ir

سکون اخلاقی

دفتر دوم



سید محمد مهدی حسینی همدانی



فهرست مطالب

• مقدمه	۹
فصل اول	
• معانی زهد	۱۹
• معنای لغوی زهد	۲۰
• معنای اصطلاحی زهد	۲۱
• آیا در آیات و روایات هم زهد به همین معنا آمده است؟	۲۲
فصل دوم	
• ارتباط زهد با سایر نیروهای درونی انسان	۲۵
• زهد چیست به دنیا چگونه است؟	۲۷
• زاهد حقیقی کیست؟	۳۷
فصل سوم	
• اعتبارات و درجات زهد	۴۹
• زهد حقیقی	۶۷
فصل چهارم	
• آثار و ثمرات زهد	۷۳
فصل پنجم	
• نشانه های زاهدین	۱۰۵
فصل ششم	
• راه های علمی و عملی تحصیل زهد	۱۲۳
• راه های علمی تحصیل زهد	۱۲۵
• راه های عملی تحصیل زهد	۱۳۳
• مؤخره	۱۳۷
• نمایه ها	۱۴۱
• منابع و مأخذ	۱۴۸



مقدمه

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در ضمن روایتی فرموده‌اند: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ؛ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ، وَمَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ». علم به علم بر سه گونه است: علم توحید (اعتقادات)، علم احکام و علم اخلاق، و فراتر از این سه، فضل محسوب می‌شود.^(۱) ما در این جا قصد نداریم به معانی و مفاهیم این روایت کریمه پردازیم که خود، سرشته‌ی هزار مبحث و گفتگوست، بلکه عنوان کردن این حدیث شریف فقط به قصد یادآوری این مطلب بود که هر مسلمانی این سه گونه‌ی علم را که پیامبر عظیم‌الشان صلی الله علیه و آله بدان اشارت

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول الکافی، قم: موعود اسلام، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۲.



فرموده‌اند، در حدّ برطرف کردن نیازهایش و حتی بیش از آن باید بداند و آشنا باشد و ما اگر روایت دیگر آن بزرگوار را که فرموده‌اند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ (وَأُمْلِيَّةٌ)»^(۱)، در کنار روایت مذکور قرار دهیم، به این نتیجه خواهیم رسید که آموختن علم - به‌طور اعم - و به‌دنبال آن رفتن، فضیلت است و آموختن این سه گزین علم - به‌خصوص - بر همه‌ی ما واجب و لازم است؛ به‌همین دلیل در این مختصر تلاش خواهیم کرد به ساحلی از این دریای بکران که علم اخلاق نام گرفته و حضرت ﷺ آن را «سنة قائمة» نامان فرموده‌اند، در حد توان و بضاعتمان پردازیم.

موضوعی که برای بحث در این کتاب انتخاب کرده‌ایم، بررسی صفت زیبایی به نام «زهد» است که برخی کژاندیشی‌ها و تصورات نادرست آن را به لباس مندرس و خشنی تعبیر کرده‌اند که هر طبعی از آن گریزان است و به‌سختی می‌توان - به‌خصوص به نسل جوان و زیباپسند جامعه‌ی ما - تفهیم کرد که «زهد» در اصل و معنای حقیقی آن لطیف‌تر و ظریف‌تر از آن

چیزی است که برخی از ما به غلط به آن خو کرده‌ایم و زیباتر از آن تصور زشتی است که در اذهان گروهی از مردم جای گرفته است.

«زهد» همان چیزی است که جامعه‌ی ما در این شرایط زمانی سخت بدان نیازمند است. اگر اندکی بر این نکته تأمل کنیم، در خواهیم یافت که چه بسیار گرفتاری‌ها و مشکلاتی که به سرعایت همین اصل اخلاقی برطرف می‌شوند و چه دردهایی که با درک همین فضیلت اخلاقی مداوا می‌گردند. اگر جامعه‌ی ما به «زهد» گرایش پیدا کند، فشارهای ناشی از مشکلات مالی و اقتصادی را آسان‌تر تحمل خواهد کرد.

این را نه از آن رو می‌گوییم که برای نابینایان و مشکلات اقتصادی جامعه‌ی در حال توسعه‌مان توجیه و مفری پیدا کنیم، بلکه بدان علت است که این حقیقت بزرگ روشن شود که حرص و آز و طمع، سررشته‌ی بسیاری از دردهای جامعه است؛ مگر جز این است که همه‌ی گرانفروشی‌ها، احتکارها، رشوه‌خواری‌ها، کم‌فروشی‌ها، تقلب‌ها و هر معضل



اقتصادی دیگری که سراغ دارید، ریشه در دنیاپرستی و حرص مال و جاه عده‌ای از افراد جامعه دارد؟

بیاید به جای این که برخی از ما برخی دیگر را به دنیاطلبی و یا زاهدنمایی متهم کنیم و یا خود ما کسانی را به واسطه‌ی متّصف بودن به زهد، مدح و ستایش کنیم، بکوشیم «زهد» را - همان گونه که هست و باید باشد - بشناسیم و درک کنیم. تنها از این راه است که می‌توانیم با نزدیک شدن به معنای واقعی آن، به روح «زهد» و دیگر فضیلت‌های اخلاقی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام خود بالاترین و عالی‌ترین نمونه و الگوی آن بوده‌اند، متّصف شویم و نایب‌ترین و از بسیاری از دردهایی که به جانمان چنگ انداخته و رفتاری‌هایی که گریبان خود و جامعه‌مان را گرفته است، نجات یابیم. برای شناختن «زهد» پیش از هر چیز باید حالات روح را بشناسیم و با آن تقسیم‌بندی‌هایی که علمای اخلاق برای نفس انسان برشمرده‌اند، آشنا شویم.

نفس انسان، که از آن به «عقل»، «روح» و «قلب» هم تعبیر می‌شود^(۱)، دارای چهار قوه و نیروست که

۱. البته بین این سه مفهوم تفاوت‌هایی نیز هست؛ از جمله این که عقل

هریک از آن‌ها، حالتی از حالات روح را در اختیار خود دارند و هر قوه‌ای اگر بر دیگر قوا چیره شود، رفتار انسان به تبعیت از آن تغییر خواهد کرد؛ مثلاً اگر عقل بر قوای دیگر تسلط یابد، همه‌ی حرکات و سکنات انسان منطقی و صحیح خواهند بود و در نظام رفتاری او هرج و مرج و آشفتگی مشاهده نخواهد شد.

حال اجازه دهید این چهار نیروی درونی را بشناسیم. بنابر نظر فلاسفه، اخلاق، چهار نیروی درونی انسان عبارتند از: قوه‌ای عقابیه (یا نیروی تفکر)؛ قوه‌ای غضبیه (یا نیروی خشم)؛ قوه‌ای شهویه (یا نیروی تمایلات)؛ و قوه‌ای وهمیه (یا نیروی تخیل).

کار نیروی عقل این است که حقایق امور را درک کند و بین خیر و شر و درستی و نادرستی فرق بگذارد و سمت و سوی منافع و مصالح انسان را تشخیص دهد و به او بنمایاند، راه صحیح را در هر امری پیش رویش بگذارد، و نیز راه دوری از شر، بدی، ضرر، و زیان را به وی بیاموزد.

نقش روشنگری در امور را برعهده دارد و از قلب، به‌عنوان نیروی محرکه یاد می‌شود و این دو، در کنار هم کارساز هستند.



قوه‌ای شهویه یا نیروی تمایلات نیز همان کاری را می‌کند که حیوانات درخصوص رفع نیازهای غریزی خود انجام می‌دهند؛ یعنی شکم چرانی و شهوت‌رانی جنسی. وظیفه‌ی این قوه در انسان، حفظ و ادامه‌ی حیات اوست و البته از آن به‌عنوان بهترین وسیله برای به کمال رسیدن نفس انسان نیز یاد کرده‌اند.

از قوه‌ی غضبیه به‌عنوان نیروی نگه‌دارنده و حفظ‌کننده نام برده می‌شود و جلسه‌ی بارز آن را می‌توان در رفتار حیوانات وحشی و درنده یافت. کار این قوه دفاع از نفس در هنگام مواجهه با خطرهایست و جلوه‌های منفی آن در دیگرارایی سلطه‌طلبی و ظلم و ستم به دیگران دیده می‌شود.

قوه‌ای وهمیه همان قوه‌ی تصور و تخیل انسان است. درک حیل‌ها و ترفندها و یافتن راهکارهای مناسب برای نفوذ، عمل و رسیدن به هدف‌ها از طریق چاره‌جویی، از مأموریت‌های آن است. علمای اخلاق از این قوه بیشتر جنبه‌ی حیل‌گری و مکر را استنباط، و فایده‌ی آن را در درک جزئیات از طریق

تجسم در ذهن و چاره‌اندیشی برای رسیدن به مقاصد صحیح ذکر کرده‌اند.

اما به‌جز آنچه گفتیم، گروهی دیگر از علمای اخلاق چهار قوه‌ای نفس را به دو قوه‌ای کلی‌تر با دو نوع عملکرد متفاوت، اما متناسب با یکدیگر تقسیم کرده‌اند. این دو قوه عبارتند از:

۱. قوه‌ی درک، که خود به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود. عقل نظری، همان قوه‌ای عقلیه است که پیش از این درباره‌ی آن سخن گفتیم. عقل نظری وجوه علمی یک واقعه را با در اختیار اطلاعات مربوط به آن درک می‌کند. عقل عملی نیز که همان قوه‌ای وهمیه است، با تدبیر و تفکر درباره‌ی واقعه و بررسی اطلاعات، راه‌حل و نحوه‌ی عمل را پیش پای انسان می‌گذارد.^(۱) این دو در مجموع قوه‌ای مُدرکه‌ی انسان را می‌سازند.

۲. قوه‌ای حرکت، که شامل قوه‌ای غضبیه و قوه‌ای شهویه‌ی انسان است، نیروی غضب، وظیفه‌ی دفع ناملازمات از راه قهر و غلبه را دارد و نیروی شهوت،

۱. از قوه‌ی وهمیه، به‌عنوان قوه‌ی عامله هم نام برده می‌شود.



عامل جذب خواستنی‌ها و ایجاد انگیزه برای رسیدن به مطلوب در انسان است.

آنچه این تقسیم‌بندی‌ها به‌عنوان نتیجه و محصول به ما می‌دهند، این است که اگر حرکات و افعال این قوا در وجود ما، همگی بر اعتدال و میانه‌روی استوار باشند و سه نیروی وهمیه، شهویه و غضبیه تحت فرمان کنترل عقل باشند، در درجه‌ی اول سه فضیلت نصیب ما خواهد شد:

۱. «حکمت» که حالت اعتدالی نیروی عقل است؛

۲. «عفت» که حالت اعتدالی برای شهوت است؛

۳. «شجاعت» که حالت اعتدالی نیروی غضب است.

و در درجه‌ی دوم، از اعتدال همان سه قوا، به ملکه‌ی «عدالت» می‌رسیم که در حقیقت مرحله‌ی کمال همه‌ی قوای نفسانی انسان است؛ زیرا همه‌چیز در جای خود و به اندازه‌ی درست و منطقی است.

از این موضوع به نتایج دیگری هم می‌توان رسید؛ ازجمله این‌که اگر هریک از قوای چهارگانه در وجود ما از حدود اعتدال خارج شوند و به‌سوی

افراط یا تفريط گرایش پیدا کنند، باعث بروز رذیله‌ای خواهند شد که در مقام خودسازی، باید ضد آن را که فضیلت خوانده می‌شود، کسب کنیم. تا این جا تقسیم‌بندی علمای اخلاق در باب قوای نفسانی^(۱) را بررسی کردیم. حال، بیایید پس از این مقدمه، موضوع اصلی کتاب را پی بگیریم، و بینیم «زهد» در جای این مجموعه قرار می‌گیرد. در ادامه، «زهد» را به عنوان فضیلتی شرح و بسط خواهیم داد که در مقابل رذیله‌ی «حُبّ به دنیا و مال» قرار می‌گیرد.^(۲)

بنای ما در این مجموعه، استناد به آیات قرآن کریم و روایاتی از ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام خواهد بود و امیدمان بر این است که بررسی اجمالی این موضوع مورد قبول حضرت حق و مورد استفاده‌ی شما عزیزان گرانقدر قرار گیرد. در ضمن، به این وسیله از برادران ارجمند، آقایان

۱. مرحوم نراقی نظیر این تقسیم‌بندی را با کمی اختلاف در کتاب «معراج السعاده» آورده است.

۲. تقسیمات و حالات مختلف قوه‌ی شهویه در ارتباط با زهد را در جای مناسب خود خواهیم آورد.



فرید نجف‌نیا و علیرضا سلامیان که در ویرایش مطالب
متحمل زحماتی شده‌اند، تشکر می‌گردد.

حوزه‌ی علمیه‌ی قم

سید محمد مهدی حسینی همدانی

جمادی‌الثانی ۱۴۱۵

www.ketab.ir